

گنورگی آقابکوف

گ.پ.ٹو

خاطرات یک چکیست

ترجمہ محسن شجاعی

چاند گلاب

سرشناسه: آقابکوف، گئورگی سرگی یویچ، ۱۸۹۶-م.
 Agabekov, Georges Sergeevich
 گ. پ. نو: خاطرات یک چکیست/ گئورگی آقابکوف؛ ترجمه محسن شجاعی.
 مشخصات نشر:
 تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری جهان کتاب، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۴۵۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 فروست: برگه از تاریخ: ۱۳.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۶۷-۴۶-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: (Г.П.У. (Записки чекиста).
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۳۳] - ۴۳۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.
 یادداشت: نمایه
 عنوان دیگر: خاطرات یک چکیست
 موضوع: گ.پ.نو
 Soviet Union. G.P.U. موضوع:
 موضوع: سازمان اطلاعاتی -- روسیه شوروی -- تاریخ
 موضوع: Intelligence service -- Soviet Union -- History
 شناسه افزوده: شجاعی، محسن، ۱۳۴۱-، مترجم
 رده‌بندی کنگره: HV۸۲۲۴
 رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۲۴۷
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۲۹۶۲۴

گئورگی آقابکوف

گ.پ.ئو

خاطرات یک چکیست

ترجمہ

محسن شجاعی

چاه کاپ

این کتاب ترجمه‌ای است از:
Г.С. Агабеков. Г.П.У.
(Записки чекиста).
Берлин: издательство
«Стрела», 1930.

انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری

جانه‌کتاب

•
گ. پ. ئو

خاطرات یک چکیست

گئورگی آقابکوف

ترجمه محسن شجاعی

•
چاپ اول: ۱۴۰۰

تعداد: ۷۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سحرگرافیک

چاپ: اکسیر

•
همه حقوق محفوظ است.

•
تهران. صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۹۸-۹۷-۶۶۹۶۸۰

info@jahanekebab.ir

•
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۴۶-۰

•
۱۵۰۰۰۰ تومان

این ترجمه پیشکشی است به

فرهاد (مهدی) داوودی

که نخستین بار به راهنمایی او پای در راه ترجمه گذاردم.



گھورگی آفاکوف

رئیس پیشین بخش کشورهای شرقی در دایرة کشورهای خارجی
ادارة کل سیاسی کشور (در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۲۸)
و رئیس شبکه اطلاعاتی شوروی در خاور نزدیک (۱۹۳۰-۱۹۲۹)

فهرست

پیش‌گفتار مترجم	۱۳
مقدمه	۱۷

بخش یکم ا.گ.پ. نو چیست؟

فصل یکم تشکیلات داخلی ا.گ.پ. نو	۲۱
فصل دوم ا.گ.پ. نو و دولت	۳۳

بخش دوم خاطرات یک چکیست

فصل یکم چکا در اورال	۵۵
فصل دوم در اداره امور کشورهای شرقی چکای سراسری روسیه	۶۳
فصل سوم کشته شدن انور پاشا	۷۵
فصل چهارم کار در تشکیلات حزب	۸۹
فصل پنجم افغانستان	۹۷

فصل ششم	
مأموران و کارمندان ا.گ.پ.نو در افغانستان.....	۱۰۳
فصل هفتم	
فروپاشی جامعه مهاجران بخارایی.....	۱۱۳
فصل هشتم	
ایران.....	۱۲۷
فصل نهم	
سازماندهی فعالیت ا.گ.پ.نو در بلوچستان.....	۱۴۳
فصل دهم	
جاسوسی شوروی در آذربایجان.....	۱۴۹
فصل یازدهم	
فعالیت ا.گ.پ.نو در تهران.....	۱۵۹
فصل دوازدهم	
مکاتبات محرمانه سفارتخانه‌های خارجی.....	۱۶۹
فصل سیزدهم	
چند دگرگونی در سفارت.....	۱۷۹
فصل چهاردهم	
فرار منشی استالین.....	۱۹۵
فصل پانزدهم	
ایجاد شبکه ا.گ.پ.نو در جنوب ایران.....	۲۰۳
فصل شانزدهم	
بخش کشورهای شرقی ا.گ.پ.نو در مسکو.....	۲۱۳
فصل هفدهم	
تجاوز نظامی شوروی به افغانستان.....	۲۲۵
فصل هجدهم	
شبکه غیرقانونی ا.گ.پ.نو در ایران.....	۲۳۷
فصل نوزدهم	
چین - عراق.....	۲۴۵
فصل بیستم	
آلمان، فرانسه، آمریکا.....	۲۵۵

فصل بیست و یکم	
فلسطین. - حجاز و یمن	۲۶۷
فصل بیست و دوم	
ترکیه	۲۷۵
فصل بیست و سوم	
تبعید تروتسکی	۲۹۱
فصل بیست و چهارم	
ا.گ.پ. نو اکنون در خاور نزدیک چه می‌کند؟	۳۰۱
پیوست ۱: بخش‌های مربوط به ایران از کتاب چکا در حال عملیات	۳۱۹
پیوست ۲: آقابکوف ناشناخته / بوریس ولودارسکی، ترجمه کاوه بیات	۳۹۷
منابع مورد استفاده مترجم	۴۳۳
نمایه	۴۳۵

پیش گفتار مترجم

داستان‌های فرار از شوروی و کشورهای بلوک شرق سابق فراوان‌اند. اما داستانی که این کتاب به آن پرداخته، مستقیماً با کشور ما، آن‌هم در دوران چرخش و تحوّل بزرگ، در پیوند است. گنورگی آقابکوف، یک ارمنی ساکن در ترکستان روس، به عنوان یک مأمور ساده به خدمت دستگاه اطلاعاتی جمهوری جوان روسیه شوروی درمی‌آید، پله‌پله در این دستگاه مخوف ارتقا می‌یابد و دست آخر تبدیل به نخستین مأمور عالی‌رتبه اطلاعاتی شوروی می‌شود که به غرب می‌گریزد. چگونگی این گریز و علّت‌های آن را خود نویسنده در جای‌جای کتاب و به‌ویژه در بخش دوم بیان کرده است، بگذریم که در هیچ‌جا اشاره‌ای به عشق خود نسبت به معلم زبان انگلیسی جوانش نمی‌کند که ظاهراً مسبّب اصلی این داستان بوده است.^۱

ترجمه خاطرات او که با توصیف شبکه مأموران اجیرشده شوروی در ایران و چند کشور دیگر منطقه همراه بود، نخست در مطبوعات پاریس به چاپ رسید. این ترجمه‌ها را سفارت ایران در پاریس به تهران فرستاد که در پی آن در دستگاه حکومت نوپای پهلوی آشوب به‌پا شد. نتیجه زندانی و تیرباران شدن افرادی از

۱. برای نمونه نک. مقدمه مفصل آ. و. شاوروف بر کتاب چکا در حال عملیات، دومین کتاب خاطرات آقابکوف، که در روسیه برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسید:

Агабеков, Г. *ЧК за работой*. Предисловие А. В. Шаврова; Комментарии А. В. Шаврова, И. М. Смирновой. М.: Ассоциация "Книга. Просвещение. Милосердие". 1992.

درون دستگاه‌های اداری و حکومتی ایران بود، ماجرایی که در سال‌های اخیر پژوهشگرانی چند به آن پرداخته‌اند.^۱

این کتاب را در سال ۱۳۵۷ مرحوم دکتر حسین ابوترابی‌ان از روی ترجمه انگلیسی آن به فارسی برگردانده بود.^۲ اما مترجم به چند دلیل ترجمه دوباره این کتاب، البته از متن اصلی روسی، را مناسب دید. نخست آن‌که پژوهشگرانی که نسخه روسی خاطرات آقابکوف را با ترجمه انگلیسی آن مطابقت داده‌اند، بر نادرستی‌هایی که در متن انگلیسی راه یافته، تأکید می‌کنند. به گفته باریس والادارسکی در ترجمه انگلیسی این کتاب که در اکتبر سال ۱۹۳۱ در نیویورک منتشر می‌شود، نه از متن روسی، بلکه از ترجمه فرانسوی استفاده شده، بخش‌هایی از متن اصلی در ترجمه حذف شده و ساختار متن نیز تغییر داده شده بود (والادارسکی، ۲۰۱۳، ص ۸۹۱). هرچند که در ترجمه حاضر نیز از دو سه صفحه متن ترجمه پیشین استفاده شده که در جای خود در کتاب توضیح داده شده است. دوم آن‌که پس از فروپاشی شوروی و نیز با پیدایش اینترنت و دستیاب شدن بسیاری از منابع و مآخذ در دهه‌های پس از چاپ ترجمه فارسی کتاب، این امکان فراهم شده بود تا با آگاهی از آنها هم ترجمه دقیق‌تری به دست داده شود و هم برخی نکات متن با توضیحات به‌روزتر و مستندی همراه گردد که در سال ۱۳۵۷ امکان آن وجود نداشته است. سه‌دیگر هم آن‌که ترجمه کتاب را دو تن از میزترین کتاب‌شناسان کشور، آقایان فرخ امیرفریار و مجید رُهبانی، به مترجم پیشنهاد کردند. این نکته آخر هرگونه تردید نسبت به سودمندی و مناسب بودن ترجمه دوباره کتاب را از ذهن مترجم زدود.

از آنجاکه متن کتاب آکنده از اسم‌های خاص افراد و مکان‌ها و رویدادهای گوناگونی است که برای بسیاری از خوانندگان ناآشنا هستند، مترجم تا اندازه‌ای که

۱. ازجمله نک. الهام ملک‌زاده و علی الله‌جانی، «عملیات جاسوسی شوروی در ایران در دوره رضاشاه بر اساس زندگی و خاطرات ژرژ آقابکف در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۷»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، ش ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۹۶) صص ۳۹۵-۴۱۳.
۲. گنورگی آقابکوف. خاطرات آقابکف، ترجمه حسین ابوترابی‌ان، (تهران: پیام، ۱۳۵۷).

بایسته می‌دانست، این‌گونه موارد را در پانوشته‌ها توضیح داده است. برای این کار تلاش شد تا عمدتاً از کتاب‌ها و مقالاتی که در چند دهه گذشته منتشر شده‌اند، استفاده شود.

درباره پیوست یکم (بخش دوم این کتاب که در واقع از کتاب دیگری ترجمه شده است)، مترجم توضیحات زیر را ضروری می‌داند.

بر پایه خاطرات گنورگی آقابکوف می‌دانیم که او پس از گریختن از استانبول به پاریس می‌کوشد با انتشار سریع خاطراتش زنده ماندن خود را تضمین نماید، از این‌رو نخست بخش‌هایی از نوشته‌های خود را که از چندی پیش آماده می‌کرده، در اختیار یکی از روزنامه‌های مهاجران روس در پاریس به نام پاسلی‌پدنیه نوواستی (آخرین اخبار) می‌گذارد (والادارسکی، ۲۰۱۳، صص ۸۹۴-۸۹۵). کمی بعد انتشارات «استرلا» در برلین نسخه کامل این خاطرات را منتشر می‌کند که ترجمه کامل آن در بخش نخست آمده است.

آقابکوف سپس در سال ۱۹۳۱ کتاب دوم خود را با عنوان چکا در حال عملیات باز توسط انتشارات «استرلا» در برلین به چاپ می‌رساند. این کتاب تقریباً تکرار همان رویدادهایی است که در کتاب نخست به آنها پرداخته شده بود، اما این بار جزئیات بیشتری به متن افزوده شده که گاه بسیار ریز و جزئی به نظر می‌رسند. ذکر این جزئیات، جدا از اطلاعات مهمی که در آنها وجود دارد، به نظر مترجم نشان‌دهنده تلاش نویسنده برای داستانی‌تر و خواندنی‌تر کردن کتاب خود هستند. به هر روی با واریسی کتاب دوم آقابکوف بخش‌هایی که در آنها مستقیماً خاطرات مربوط به مأموریت‌هایش در ایران و کشورهای همسایه را شرح داده یا نکات جالب دیگری در آنها وجود داشت، یافته و ترجمه شد تا هر آنچه در خاطرات او مربوط به ایران بوده، در اختیار خواننده ایرانی گذارده شود.

درباره پیوست یکم این نیز گفتنی است که چون ترجمه بخش‌های انتخاب‌شده از صفحات و فصل‌های گوناگونی هستند، مترجم برای هر بخش یک عنوان اختیاری درون قلاب افزوده است. در یکی دو موردی که شروع یک بخش

جداگانه ترجمه شروع یک فصل از کتاب هم بوده، عنوان فصل آمده و عنوان اختیاری هم باز درون قلاب افزوده شده است. دلیل این کار آن بود که به نظر می‌رسید عنوان‌های اختیاری برای خواننده ایرانی گویاتر از عنوان‌های خود کتاب هستند. ضمن آن‌که تقریباً هیچ فصلی از کتاب دوم آقابکوف به گونه کامل ترجمه نشده است.

اما پیوست دوم که زحمت ترجمه آن از انگلیسی را جناب کاوه بیات به گردن گرفت، مستندترین و کامل‌ترین پژوهشی است که تاکنون درباره آقابکوف انجام شده است. در این مقاله پایان کار و زندگی وی با مراجعه به مدارک و مستندات پرشماری، تا آنجا که امکان داشته، نشان داده شده است.

مترجم سپاسگزار مسئولان انتشارات «جهان کتاب» است که انجام ترجمه را به وی پیشنهاد کرده و نیز با بذل دقت فنی در آماده‌سازی متن ترجمه کتابی چشم‌نواز را پیشکش خوانندگان نمودند.

محسن شجاعی

خردادماه ۱۴۰۰

مقدمه

سرنوشت برای من این گونه رقم زد که ده سال در نام‌آورترین سازمان از نهادهای شوروی کار کنم؛ در اداره کل سیاسی کشور (ا.گ.پ.نو) وابسته به کمیته فوق‌العاده سراسری روسیه (و.چ.کا). از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۳۰ در مرکز ا.گ.پ.نو در مسکو و همچنین در شهرستان‌ها کار می‌کردم، در بخش مبارزه با دشمنان اتحاد شوروی درون کشور؛ البته شش سال پایانی را در دایره کشورهای خارجی در زمینه فعالیت در خارج از کشور گذراندم. در طول این دوره بارها برای من پیش آمد که در مطبوعات خارجی و نیز در گزارش‌های نمایندگی‌های خارجی که به دست اداره سیاسی (گ.پ.نو) افتاده بود، مطالبی درباره فعالیت‌هایم و بشنوم. اما هیچ‌جا تصویری، حتی تقریبی، از آن تشکیلاتی که در ا.گ.پ.نو وجود دارد، از آنچه آنجا انجام می‌شود، از توصیف مدیران این سازمان یا اطلاعات موثق مربوط به کارمندان نیافتم.

بارها در مسکو، در دایره‌مان که در طبقه چهارم لوبیانکا^۱ قرار داشت، هنگامی که روزنامه‌های مهاجران و شب‌نامه‌ها را می‌خواندیم، به‌واقع از خامی نویسندگان تعجب می‌کردیم و بر خوش‌باووری توده خواندگانی که این نوشته‌ها برای آنها تهیه شده بود، می‌خندیدیم.

۱. میدانی قدیمی در بخش مرکزی مسکو که ساختمان ادارات امنیتی شوروی در آن قرار داشت و اکنون نیز مرکز اداره امنیت فدرال روسیه (FSB) است. [همه پانوشت‌ها، بجز موارد مشخص شده، از مترجم است.]

بارها هنگام خواندن گزارش‌های ارسالیِ سفیران و کنسول‌های خارجی برای دولت‌هایشان، که ا.گ.پ.نو^۱ آن‌ها را به دست آورده بود، از این‌که آنها این اندازه از فعالیت ما ناآگاه‌اند، متعجب می‌شدیم. به همین دلیل است که هدف خود از نوشتن این کتاب را ارائه توصیف مشروحی از تشکیلات ا.گ.پ.نو و نقش آن، از مدیران آن و کارمندانی که شمار آنها به ده‌ها هزار تن می‌رسد و در حد امکان، توصیف روش‌های کار این سازمان قرار داده‌ام. می‌گویم «در حد امکان»، زیرا روش‌ها بسته به شرایط زمانی و مکانی تغییر می‌کنند.

۱. نویسنده در همه صفحات گاه از «گ.پ.نو» نام می‌برد و گاه از «ا.گ.پ.نو». نخستین اختصارات به معنای «اداره سیاسی کشور» است. اما از ۱۵ نوامبر سال ۱۹۲۳ و پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی (که آن هنگام از چهار جمهوری روسیه، اوکراین، بلاروس و جمهوری فدراتیو ماورای قفقاز شکل گرفته بود) این تشکیلات «اداره سیاسی سراسری کشور» نام گرفت که اختصارات آن هم به «ا.گ.پ.نو» تغییر یافت.

بخش یکم

ا.گ.پ.ئو چیست؟

تشکیلات داخلی ا.گ.پ.ئو

مرکز ا.گ.پ.ئو (اداره کل سیاسی کشور) در مسکو واقع است، در میدان لوبیانکا. این مرکز همه بلوک بین لوبیانکای بزرگ و لوبیانکای کوچک^۱ را اشغال کرده و در امتداد لوبیانکای بزرگ تا هتل «سِلِکت» در خیابان سِرِیه_تِنکا، که به هزینه ا.گ.پ.ئو و به منظور به دام انداختن مسافران خارجی اداره می شود، کشیده شده است. مهمانان خارجی که در این هتل اقامت می کنند، تحت نظارت دقیق قرار می گیرند و وسایل آنها در غیابشان بازرسی می شود؛ مدیران هتل نیز همه از مأموران گ.پ.ئو هستند. خانه های واقع در کوچه های وارسونوفیسکی و میلیوتینسکی همه تبدیل به خوابگاه های عمومی برای مأموران شده و خلاصه همه منطقه بین لوبیانکا و خیابان سِرِیه_تِنکا در اختیار ا.گ.پ.ئو است.

در این سازمان تا حال حاضر نزدیک به ۲۵۰۰ تن کار می کنند. از آنها حدود ۱۵۰۰ تن عضو حزب کمونیست هستند.^۲ دیگران بخشی عضو

۱. دو خیابان که تقریباً با جهت جنوبی - شمالی در شرق و غرب ساختمان اداره امنیت روسیه واقع اند.

۲. نویسنده در مقدمه شمار کارمندان این تشکیلات را ده ها هزار تن ذکر کرده، ظاهراً منظور وی از ده ها هزار تن همه خبرچین ها و افرادی است که با ا.گ.پ.ئو همکاری می کردند.

کامسامول^۱ هستند و بخشی نیز غیر حزبی اند. غیر حزبی ها معمولاً سمت های سطح پایین را اشغال می کنند: ماشین نویسی، کار در دبیرخانه و مانند اینها.

ا.گ.پ.نو به چند دایره تقسیم می شود: دایره ضد جاسوسی، دایره کشورهای خارجی، دایره سرتی، دایره ویژه، دایره تخصصی، دایره امور اقتصادی، دایره اطلاعات، دایره عملیات، دایره کشورهای شرقی، دایره مرزبانی و مدیریت اداری و سازمانی. افزون بر اینها بخش های پشتیبانی نیز وجود دارند: بخش اقتصادی، دژبانی، بخش امربرها، تعاونی، باشگاه، چاپخانه و زندان.

در رأس همه تشکیلات مئژینسکی قرار دارد که رئیس ا.گ.پ.نو به شمار آمده و به واسطه فعالیت پیشین خود بسیار مشهور است. او هرچند که فردی متشخص و تحصیل کرده است، اما از اعتبار لازم در کمیته مرکزی حزب و دفتر سیاسی (ریاست عالی کمیته مرکزی) برخوردار نیست. مئژینسکی بسیار بیمار است، به ندرت در امور داخلی ا.گ.پ.نو دخالت می کند و فعالیت وی محدود به آن شده است که این سازمان را در کمیته مرکزی حزب نمایندگی کند.

مئژینسکی دو معاون دارد. اول یاگودا است که عملاً همه تشکیلات را مدیریت می کند.

یاگودا شخصی قدرت پرست است که اراده ای نیرومند دارد و برای رسیدن به هدف تعیین شده آماده هر کاری است. هرچه مئژینسکی خوش رفتار و بادانش است، یاگودا خشن و بی فرهنگ است. او تنها به دلیل خوش رقصی در برابر اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی و نیز به دلیل هنر دسیسه است که در پست خود باقی مانده، و البته دسیسه برای او سلاحی است که به حد کمال بر آن مسلط است. او در همان زمانی که توانایی های

۱. سازمان جوانان حزب کمونیست.

رقیبانش را می‌سنبند، برای نابودی آنها نیز اقدام می‌کند. مثلاً به عنوان نمونه، هنگامی که در چهره ترلیسیر، معاون دوم ا.گ.پ.نو، یک دشمن جدی را دید، موفق شد با کمک کمیته مرکزی او را از کار در گ.پ.نو برکنار کند.

یاگودا برای به اجرا درآوردن هدف‌هایش جماعتی را پیرامون خود گردآورده که هرچند بی‌لیاقت‌اند، اما مطیع او بوده و برای نواله‌ای که از او می‌گیرند و جلب حمایت او حاضر به انجام هر کاری که او بخواهد، هستند. یکی از جیره‌خواران او شاین، منشی وی است، یک شخصیت جانی با گرایش‌های آشکار دگرآزاری. این شاین بسیاری اوقات برای یاگودا مجالس خوش‌گذرانی با شراب و زن ترتیب می‌دهد که در آنها یاگودا یک شکارچی بزرگ است: برای این مهمانی‌ها دختران کم سن و سال کامسامول به خدمت گرفته می‌شوند.

همه دایره‌های ا.گ.پ.نو، به‌استثنای دایره کشورهای خارجی، دایره مرزبانی و دایره تخصصی، زیر نظر اداره سرّی - عملیاتی قرار دارند که رئیس آن همان یاگودا است.

دو دایره کشورهای خارجی و مرزبانی زیر نظر معاون دوم هستند. اما دایره تخصصی به ریاست فردی به نام بوکی مستقیماً زیر نظر کمیته مرکزی حزب کار می‌کند.

هیئت‌رئیس ا.گ.پ.نو از همه رؤسای دایره‌ها، هر دو معاون و رئیس سازمان تشکیل می‌شود که هفته‌ای یک بار برای بررسی و تصمیم‌گیری درباره امور معمول تشکیل جلسه می‌دهند.

اما هر یک از این دایره‌ها چه کاری انجام می‌دهد؟

دایره ضدجاسوسی درون مرزهای اتحاد شوروی کار مبارزه با جاسوسی خارجی‌ها و نیز فعالیت‌های ضدانقلابی در میان شهروندان عادی را پیش می‌برد. این دایره خدمات‌رسانی به هیئت‌های خارجی در شوروی را نیز بر عهده دارد که در حین آن، کار اطلاعاتی و دستیابی به اطلاعات و اسناد نزد

این هیئت‌ها را نیز انجام می‌دهد. دایره ضد جاسوسی شبکه گسترده جاسوسان داخلی خود را دارد. همه مدیران هتل‌ها، سینماها و تئاترها مأموران ا.گ. پ. نو هستند. دایره ضد جاسوسی یا به اختصار ک.آر.نو دارای شبکه مأموران خود در همه مؤسسات شوروی است که همه‌روزه از آنچه در این مؤسسات می‌گذرد، گزارش می‌دهند. این دایره همچنین تأمین‌کننده مستخدمین جزء مانند نظافتچی، راننده و مانند اینها برای هیئت‌های خارجی است که از طریق همان‌ها اطلاعات گوناگونی به دست می‌آورد و هم‌زمان دیگر مستخدمین هیئت‌های خارجی را نیز اجیر می‌کند. رئیس ک.آر.نو اولسکی نام دارد. این فرد نزدیک به ۳۵ سال سن دارد، جوان، پرانرژی و از طرفداران سرسپرده یاگودا است. اولسکی توانسته افراد مناسبی را برای دایره خود انتخاب کند، کار این دایره هم رضایت‌بخش به شمار می‌آید. دایره ضد جاسوسی به چند واحد تقسیم می‌شود که هر یک به امور حوزه مخصوص خود می‌پردازد. مثلاً به عنوان نمونه واحد یکم ک.آر.نو منحصرأ بر هتل‌ها، تئاترها و رستوران‌ها نظارت دارد. همین واحد نامه‌های به‌چنگ‌افتاده را باز می‌کند، عمدتاً هم نامه‌های پست دیپلماتیک سفارتخانه‌ها و هیئت‌های خارجی که به طریقی به دست گ.پ.نو می‌افتند. واحدهای دوم و سوم در زمینه مبارزه با جاسوسان کشورهای کرانه بالتیک فعالیت می‌کنند؛ واحد سوم، به عنوان نمونه، واحدی بود که ساونیکوف و چندین تن دیگر را با فریب به روسیه کشاند.^۱ واحد چهارم به

۱. منظور سه کشور لتونی، لیتوانی و استونی است که پیش‌تر «پروس شرقی» نامیده می‌شدند و تاریخ مناسبات آنها با روسیه بسیار پیچیده است. این سه کشور اندکی پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه مستقل شدند، اما در ۱۹۴۰ و ظاهراً با توافق آلمان نازی، شوروی آنها را دوباره به خاک خود منضم نمود. کشورهای بالتیک از معدود جمهوری‌های اتحاد شوروی بودند که در دوران شوروی خط خود (حروف لاتین) را حفظ کرده بودند؛ آن‌ها همچنین نخستین جمهوری‌های شوروی بودند که اعلام استقلال کردند، آن هم در زمان میخائیل گارباجوف در سال ۱۹۸۹ و پیش از فروپاشی شوروی.

۲. پاریس ساونیکوف، از اعضای برجسته حزب سوسیالیست‌های انقلابی (اس.اِز) که به شدت مخالف انقلاب اکبر و بلشویک‌ها بود و در سال ۱۹۲۴ طی یک عملیات طرح‌ریزی شده ا.گ.پ.نو به روسیه بازگشت. پس از دستگیری در دادگاه به تیرباران محکوم شد، حکم وی را به زندان تخفیف دادند، اما برپایه

مبارزه با شبکه‌های جاسوسی در کشورهای شرقی می‌پردازد، واحد پنجم با جاسوسان انگلیسی - آمریکایی مبارزه می‌کند و بقیه به همین ترتیب.

دایره سَرّی کار مبارزه با احزاب سیاسی ضدّ کمونیسم و نیز مبارزه با جریان‌های درون حزب کمونیست را پیش می‌برد و بالآخره مسئول مبارزه با مذهب و از هم پاشاندن آن است. مأموران این دایره از همه لایه‌های جمعیت هستند، اما عمدتاً از روحانیان‌اند.

امور مربوط به روحانیان به واحد ششم دایره سَرّی واگذار شده است که رئیس آن توچکوف است. او در امور مذهبی یک فرد خبره به شمار می‌آید و از اختلاف میان کهن‌آیینان و نوآیینان^۱ به خوبی بهره برده و از هر دو گروه افرادی را به خدمت می‌گیرد. واحد ششم در کنار دایره کشورهای خارجی قرار دارد، از این رو بارها برای من پیش آمد که جلوی در دفتر توچکوف کشیش‌هایی را بینم که منتظر دیدار و صحبت با او بودند.

دایره سَرّی مانند همه دیگر دایره‌ها، به واحدهایی با وظایف کاملاً مشخص تقسیم می‌شود. در لباس، رئیس این دایره، یک عضو قدیمی حزب است که بیشتر به امور دسته‌بندی‌های حزب علاقه‌مند است و امید دارد با افشای آنها برای خود در برابر کمیته مرکزی سرمایه‌ای دست‌وپا کند تا از این راه به عنوان جایزه سِمَت معاون دوم ا.گ.پ.نو را به دست آورد. این آرزوی دیرین اوست. این آرزو همواره او را وادار کرده با یاگودا بر ضدّ تریلیسّر هم‌پیمان شود تا با برداشتن او از سر راه خود جایگاه وی را به چنگ آورد. به لطف این مشغولیت شخصی رئیس، کار دایره هم چندان تعریفی ندارد، البته به جز فعالیت مجدّانه توچکوف در راستای از هم پاشاندن نهاد روحانیت. اداره امور اقتصادی (ا.ک.نو) به منظور کشف سوءاستفاده‌های

اسناد رسمی در ۷ ماه می ۱۹۲۵ در زندان همان ساختمان لوبیانکا با پرت کردن خود به خیابان خودکشی کرد.

۱. اشاره است به دو شاخه شدن کلیسای ارتودوکس روس از نیمه سده هفدهم به دو گروه پایبندان به آیین کهن انجام مراسم و مناسک و پیروان آیین اصلاح‌شده انجام این مراسم.

اقتصادی و یافتن علل اجرا نشدن برنامه‌ها در مؤسسات صنعتی، بازرگانی و مالی اتحاد شوروی فعالیت داشته و همچنین با جاسوسی اقتصادی در اتحاد شوروی مبارزه می‌کند. رئیس این دایره که پراکوفیف نام دارد، مردی تحصیل کرده و پرتلاش است. پراکوفیف پیش‌تر دستیار تریلیسر در دایره کشورهای خارجی بود، اما تریلیسر که می‌ترسید پراکوفیف با پرکاری خاص خودش او را از جایگاهش براند، تلاش کرد از دست او خلاص شود.

دایره اطلاعات (اینفو) مراقب روحیات همه لایه‌های جامعه بوده و شمار انبوهی خبرچین مخفی دارد. همین دایره است که سانسور را در آثار ادبی و نمایشنامه‌های تئاترها اعمال نموده و نامه‌های ارسالی و دریافتی درون اتحاد شوروی را بازرسی می‌کند. رئیس این دایره آلکسی‌یف است، آنارشیت پیشین که ظاهراً در سال ۱۹۲۰ به حزب کمونیست پیوسته است. آلکسی‌یف نه از روی ترس، بلکه از روی وجدان خود کار می‌کند، اما به هر رو از اعتماد چندانی نزد هیئت‌رئیس گ.پ.نو برخوردار نیست. در کنار او همواره یکی از معتمدترین اعضای حزب به عنوان معاون حضور دارد. چنین «مراقبی» در حال حاضر شخصی است به نام زاپاروژیتس، یک چکیست^۱ آزموده‌شده و دستیار پیشین تریلیسر در دایره کشورهای خارجی، که به دلیل عدم هماهنگی با سیاست محافظه‌کارانه تریلیسر از نزد او رفت. آوازه این زاپاروژیتس به آن بود که در زمان جنبش پتلیورا^۲ توانسته بود به میان نزدیکان وی نفوذ کند و زمانی حتی آجودان شخصی او شده بود.

دایره ویژه بر ارتش و نیروی دریایی نظارت دارد.^۳ از طریق کمیسرهای نظامی و ناظران سیاسی فرماندهان که موظف به اطلاع‌رسانی به دایره هستند، گ.پ.نو همواره در جریان روحیات ارتش قرار دارد. این دایره

۱. ماموران سازمان چکا (کمیته فوق‌العاده یا نخستین سازمان اطلاعاتی و امنیتی شوروی) را این‌گونه می‌نامیدند.

۲. یک جنبش ملی‌گرایانه در اوکراین در سال‌های جنگ داخلی روسیه (۱۹۱۸-۱۹۲۰) به رهبری سیمون واسیلی‌ویچ پتلیورا (۱۸۷۹-۱۹۲۶).

۳. در روسیه، حتی روسیه امروز نیز، ارتش و نیروی دریایی دو نهاد جداگانه به شمار می‌آیند.

همچنین پایش‌کننده تأمین خواربار و تجهیزات انفرادی نفرات ارتش بوده و چگونگی حفاظت از انبارهای نظامی را نیز زیر نظر دارد. رئیس این دایره خود یاگودا است، اما عملاً اولسکی، رئیس دایره ضدجاسوسی، آن را اداره می‌کند.

دایره کشورهای شرقی در جمهوری‌های ملی شرق اتحاد شوروی و در میان سازمان‌های ملی‌گرای شرق فعالیت می‌کند. این دایره را اسماء پترس رهبری می‌کند، اما کار عملاً در دست شخصی به نام دیاکوف است. پترس، چنان‌که همه می‌دانند، عضو کمیسیون بازرسی مرکزی است و تمام وقت خود را به این کمیسیون اختصاص می‌دهد.

پترس شخصی است که از نظر اخلاقی به فروپاشی کامل رسیده است. زن‌ها و زندگی شخصی بیش از هر چیز دیگر مورد علاقه او هستند. او که نماینده تام‌الاختیار آ.گ.پ.نو است، هنگامی که به مناطق مرزی سرکشی می‌کرد، همیشه دو-سه منشی شخصی زن همراه خود داشت که آنها را، بسته به میزان نالازم بودنشان، در مسیر از قطار پیاده می‌کرد. مثلاً هنگامی که من در سال ۱۹۲۲ در بخارا رئیس شبکه جاسوسی بودم، پترس با دو دوشیزه به آنجا آمد، آن‌ها را از قطار پیاده کرد و به من پیشنهاد کرد کاری برای آنها دست‌وپا کنم. معاون او در دایره کشورهای شرقی در سال ۱۹۲۹ پتروسیان نامی بود که پیش‌تر رئیس چکای^۱ گرجستان بود و همو بود که ابراهیموف، رئیس کمیته اجرایی مرکزی حزب در کریمه، را تیرباران کرد تا بتواند با زن وی ازدواج کند. هنگامی که کمیته مرکزی از این داستان آگاه شد، پتروسیان را از حق کار در تشکیلات گ.پ.نو محروم کرد. بعدها او به من گلایه می‌کرد که پترس، که دوست و رئیس او بود، کارهای بسیار بدتری انجام داده

۱. این واژه از حروف «ج» و «ک» ساخته شده که حروف نخست عبارت «کمیته فوق‌العاده» در زبان روسی هستند. کمیته یادشده نخستین سازمان امنیتی و اطلاعاتی رژیم شوروی بود که در همان ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تشکیل شد و بعدها به کا.گ.ب، سازمان امنیتی معروف شوروی، تحوّل یافت.

بود که برای آنها مجازات هم نشده بود، اما بعد، هنگامی که او، پتروسیان، جرم کوچکی انجام داد، این پترس ناکس به دفاع از او برخاست. دایره تخصصی مأموریت جلوگیری از نشت اسرار حکومتی و افتادن آنها به دست خارجی‌ان را بر عهده دارد. برای این منظور دایره گروهی از مأمورانی را در خدمت دارد که کار آنها پیگیری ترتیبات حفاظت از مدارک سری است. وظیفه مهم دیگر این دایره به چنگ آوردن جدول رمز کشورهای خارجی و رمزگشایی تلگرام‌های رسیده از خارج است. همین دایره برای مؤسسات در داخل و خارج از اتحاد شوروی جدول رمز تهیه می‌کند. مأموران رمز همه مؤسسات مستقیماً زیر نظر دایره تخصصی کار می‌کنند. کار رمزگشایی از جدول رمز خارجی‌ها را این دایره به نحو عالی انجام می‌دهد و هر هفته گزارش تلگرام‌های خارجی رمزگشایی شده را که باید برای رئیس‌ان دایره‌های گ.پ.نو و اعضای کمیته مرکزی حزب ارسال شود، آماده می‌کند.

سومین وظیفه دایره تخصصی نظارت بر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها در سراسر اتحاد شوروی است، اما حفاظت از این مراکز بر عهده نیروهای مسلح گ.پ.نو قرار دارد. این دایره دبیرخانه‌ای دارد که هرگونه سندی را که با هر هدفی در فعالیت گ.پ.نو مورد نیاز باشد، جعل می‌کند (گذرنامه، گواهی‌های جعلی و مانند اینها).

رئیس این دایره بوکی است، که پیش از این نماینده تام‌الاختیار در کمیته فوق‌العاده سراسری روسیه (و.چ.کا) بود و کسی است که در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۲۰ به معنای واقعی کلمه ترکستان^۱ را در وحشت فروبرد. اکنون

۱. منطقه‌ای که در این کتاب «ترکستان» نامیده می‌شود، منطقه‌ای است که پس از تسخیر آن به دست روسیه تزاری بخشی زیر حکومت یک فرمانداری قرار گرفت و بخشی نیز تحت‌الحمايه روسیه شد. این منطقه چند سال پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در سال ۱۹۲۴ به جمهوری‌های ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و بخشی از جنوب قزاقستان تقسیم شد. سپس آرام آرام اصطلاح «آسیای میانه» برای این منطقه به‌کار رفت. البته نویسنده با توجه به نو بودن این تقسیمات در زمان نگارش خاطرات خود، همچنان از اصطلاح «ترکستان» استفاده می‌کند، همان‌گونه که همه جا به جای «ایران» واژه «پرسیا» را به‌کار می‌برد.

نیز، پس از گذشت ده سال، در تاشکند داستان‌هایی از او بر سر زبان‌هاست که دوست داشت گوشت خام سگ بخورد و خون تازه انسان را سر بکشد. با وجود آن‌که بوی صرافاً رئیس دایره است، با مستثنا شدن از مقررات، مستقیماً زیر نظر کمیته مرکزی حزب قرار دارد و از نفوذ بی‌اندازه‌ای در ا.گ.پ. نو برخوردار است. گزینش کارمندان در دایره تخصصی خوب بوده و کار آن نمونه است.

دایره مرزبانی نیروهای ویژه ا.گ.پ. نو و همه نیروهای مرزبانی را مدیریت کرده و با قاچاق مبارزه می‌کند. همه گمرک‌ها ملزم به ارتباط تنگاتنگ با دایره مرزبانی بوده و عملاً زیر نظر این دایره قرار دارند. رئیس دایره ولژیف است که پیش‌تر دستیار ترلیسر در دایره کشورهای خارجی بود. او یک کمونیست باورمند به آرمان‌هاست، هرچند تنها از سال ۱۹۲۰ به عضویت حزب درآمد. در سال ۱۹۲۴ او را با نام خانوادگی وِدرنیکوف به بندر بنزرت [در تونس] فرستادند تا ناوگان وِرانگل^۱ را از فرانسه تحویل بگیرد، سپس با همین نام به چین رفت که در آنجا یکی از رهبران انقلاب چین و هماهنگ‌کننده فعالیت گ.پ. نو بود.

رئیس دایره کشورهای خارجی و معاون دوم ا.گ.پ. نو تا همین چندی پیش ترلیسر بود. اکنون مسینگ جای او را گرفته که پیش از آن نماینده تام‌الاختیار گ.پ. نو در لنین‌گراد [سن‌پترزبورگ فعلی] بود. دایره کشورهای خارجی منحصراً امور خارج از کشور را اداره می‌کند. این دایره در هر نمایندگی و کنسولگری اصلی نماینده نیمه‌رسمی خود را دارد که گاه دستیارانی نیز در اختیار او هستند. این نمایندگان یا رؤسای شبکه‌های جاسوسی گ.پ. نو، عمدتاً در سمت دبیر دوم و یا وابسته سفارت ایفای نقش می‌کنند، اما گاهی نیز در نمایندگی‌های بازرگانی و یا دیگر مؤسسات اقتصادی در خارج از کشور جای می‌گیرند.

۱. پوتر نیکالایویچ وِرانگل (۱۸۷۸-۱۹۲۸) فرمانده یگان‌های ارتش سفید ضد بلشویک در بخش‌های جنوبی روسیه در زمان جنگ داخلی.

کار دایره کشورهای خارجی تشریح وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورهای خارجی، به چنگ آوردن هرگونه مدارک که برای دولت شوروی دارای اهمیت باشد، شناسایی مأموران اطلاعاتی دیگر کشورها که به اتحاد شوروی اعزام می‌شوند، تشریح چگونگی زندگی مهاجران، از هم پاشاندن سازمان‌های مهاجران و مانند اینهاست. این دایره به جز وظایف ویژه خود، ملزم است که وظایف دیگر دایره‌های ا.گ.پ.نو [در خارج از کشور] را نیز انجام دهد، زیرا کارز مربوط به خارج از کشور است. افزون بر اینها، اطلاع‌رسانی از کار مؤسسات سیاسی و اقتصادی شوروی بر عهده این دایره قرار دارد.

دایره کشورهای خارجی، جدا از نمایندگان رسمی که در بالا گفته شد، در همان کشورها دارای «شبکه مأموران غیرقانونی» است که با نام‌های خانوادگی موهوم و گذرنامه‌های ساختگی فعالیت می‌کنند. رئیس شبکه‌های جاسوسی «غیرقانونی» از امتیازات و اعتماد ویژه‌ای برخوردارند.^۱ وظیفه اصلی آنها آن است که در کشور محل مأموریت خود به خوبی جا باز کرده، روابطی ایجاد کنند و موقعیت خود را چنان مستحکم کنند که حتی در صورت مناقشه نظامی و اخراج نمایندگان رسمی بتوانند به کار خود ادامه دهند. اعزام رئیس شبکه‌های جاسوسی «غیرقانونی» دو سال پیش آغاز شد، هنگامی که تحلیل رویدادهای خارج از کشور نشان داد که جنگ آینده گریزنابذیر است. از آن زمان رئیس شبکه‌های جاسوسی غیرقانونی در ایران، افغانستان، ترکیه، عراق و کشورهای غربی مستقر شدند. افراد گ.پ.نو که بدین گونه اعزام می‌شدند، نمی‌بایست با نمایندگی‌های رسمی شوروی در خارج از کشور تماسی داشته باشند.

۱. در نظام شبکه‌های جاسوسی شوروی و روسیه، رئیس شبکه جاسوسی (اطلاعاتی) و مأمورانی که با پوشش قانونی اما ساختگی در سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های رسمی سمیت داشته و کار می‌کنند، «قانونی» دانسته شده و آنهایی که بدون ارتباط رسمی و ظاهری با سفارتشان فعالیت می‌کنند، مأموران «غیرقانونی» به شمار می‌آیند. گروه اول در صورت افشای کار اصلی‌شان از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بوده و تنها از کشور محل مأموریت خود اخراج می‌شوند، اما گروه دوم را کشورها می‌توانند بازداشت و محاکمه کنند.

دایره‌های دیگر چندان نیازمند توضیح نیستند، زیرا نقش درجه دو دارند، البته به استثنای دایره عملیات که فرماندهی مأمورانی را برای مراقبت از بیرون بر عهده دارد. معمولاً برای تحت نظر گرفتن پنهانی این یا آن فرد، دایره مربوطه به دایره عملیات مراجعه می‌کند که مسئولیت انجام این وظیفه را بر عهده می‌گیرد. یگان دژبان نیز تابع دایره عملیات است. این یگان بازداشت‌ها و بازرسی‌ها را انجام داده و محکومان را در زیرزمین‌های ویژه‌ای که زیر ساختمان‌های گ.پ.نو قرار دارند، تیرباران می‌کند.

این زیرزمین‌ها در زندان داخلی گ.پ.نو واقع‌اند و گاردهای سرخ، که از نیروهای ویژه هستند، از آنها به شدت محافظت می‌کنند. هیچ‌یک از کارمندان بدون ضرورت قطعی و مجوز ویژه اجازه ورود به حیاط داخلی زندان را ندارد. تنها از برخی پنجره‌های ساختمان گ.پ.نو می‌توان حیاط کوچک آن و پنجره‌های سلول‌ها را دید که با پوشش‌هایی از چشم افراد متفرقه مخفی نگه داشته شده‌اند. در همه دوره حضور من در ا.گ.پ.نو ندیدم که زندانی‌ها را برای هواخوری بیرون بیاورند.

دایره‌های ا.گ.پ.نو به واحدهایی تقسیم شده‌اند. طبق یک قاعده کلی نه تنها یک دایره نباید از کار دایره دیگر آگاه باشد، بلکه حتی واحدهای یک دایره و همان یک دایره نیز جرئت نمی‌کنند از کار خود به یکدیگر خبر دهند. ا.گ.پ.نو دارای نمایندگی‌های تام‌الاختیار در همه جمهوری‌های ملی^۱ و مناطق بزرگ اتحاد شوروی است. این نمایندگی‌ها به همان سبک اداره مرکزی در مسکو سازمان یافته‌اند، منتها در یک مقیاس کوچک‌تر. به جای دایره در آنها واحدهایی فعالیت دارند که شعبه دایره‌های اداره مرکزی در مسکو هستند. نمایندگی‌های تام‌الاختیار که تابع مسکو هستند، به نوبه خود دارای شعبه‌هایی در مراکز فرمانداری‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها هستند که باز هم سازمان کوچک‌تری دارند.

۱. منظور جمهوری‌های تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی است.

من به عمد سازمان ا.گ.پ.نو را توضیح دادم تا خوانندگان بتوانند همه ساختار این دستگاه را ببینند، زیرا بدون آن خوانندگان نخواهند توانست همه آن ماشین بسیار بزرگی را پیش خود تصوّر کنند که از دیگر سازمان‌های حکومت شوروی پنهان مانده و بخش‌های خود آن نیز از یکدیگر پوشیده هستند. بر پایه این نمودار سازمانی، خوانندگان مشاهده می‌کنند که هر دایره شبکه مأموران مخفی ویژه خود را دارد. اکنون خوانندگان به آسانی خواهند پذیرفت که شمار کلّ مأموران مخفی تنها در مسکو بیش از ده هزار تن است. ا.گ.پ.نو از طریق آنها نه تنها روند کاری همه مؤسسات و سازمان‌ها را کنترل می‌کند، بلکه زندگی شخصی هر شهروندی را که به دلیلی برجسته است، زیر نظر دارد، دیگر چه رسد به خارجی‌هایی که به گونه خاصی زیر نظارت دقیق قرار دارند.

افزون بر همه آنچه توصیف شد، این را نیز باید به یاد آورد که پلیس و ادارات آگاهی در خدمت ا.گ.پ.نو هستند و باید به یاد آورد که بنا بر وصیت لنین «هر کمونیست باید یک چکیست باشد». هر کمونیست، هر کامسامول و نهایتاً هر شهروند «آگاه» اتحاد شوروی اگر از چیزی که در تقابل با منافع دولت شوروی است باخبر شد یا شنید، موظف است که آن را به اطلاع گ.پ.نو برساند. این گونه خبرچین‌های داوطلب در اتحاد شوروی صدها هزارند؛ اما اینها کمک به گ.پ.نو را لازم می‌دانند یا روابط خوبی با این سازمان دارند به این دلیل که تنها در این صورت می‌توانند به یک زندگی نسبتاً آرام و مرقّه امید داشته باشند. بدین ترتیب بذری که ۱۲ سال پیش دژرژینسکی^۱ آن را کاشت، امروز به صورت یک نوع جاسوسی همه‌گیر حاصل داده است: پسر خبرچینی پدر را می‌کند و خواهر خبرچینی برادر را.

۱. فلیکس ادموندوویچ دژرژینسکی (۱۸۸۷-۱۹۲۶) پایه‌گذار و رئیس کمیته فوق‌العاده سراسری شوروی (و.ج.کا).